

سرکوب و سلب حقوق زنان توسط طالبان را به شدت تقبیح می‌نمائیم

بعد از کودتای هفت ثور و تجاوز مستقیم سوسیال امپریالیزم "شوروی به افغانستان، اکثریت زنان افغانستانی در مخالفت با اشغال‌گران و رژیم پوشالی شان به مبارزه برخاستند. یا به عبارت دیگر زنان وسیعاً در مقاومت علیه اشغال‌گری سوسیال امپریالیزم "شوروی" بسیج گردیدند. با کمال تأسف که نیروهای ارتجاعی احزاب جهادی وابسته به امپریالیست‌های غربی و ارتجاع منطقه موانع فرا راه مبارزات زنان ایجاد نموده و مانع شرکت فعال آنها در مبارزه و مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم "شوروی" و اجبران خلقی و پرچمی شان گردید.

در حالی که زنان افغانستان در کنار مردان در جنگ علیه استعمار انگلیس سهیم بودند. آن‌ها نه تنها آذوقه و مهمات به جبهات جنگ می‌رساندند، بلکه سلاح بدست گرفته و شجاعانه علیه امپریالیزم انگلیس جنگیدند و با سرودن اشعار حماسی جوانان را به مبارزه تشویق و تحریک می‌کردند.

با آن که زنان در جنگ علیه سوسیال امپریالیزم اشغال‌گر شرکت نداشتند، اما در جنگ کشته شدند، شوهر و فرزندان شان را از دست دادند، و حتی توسط نیروهای خائن و میهن فروش مورد تجاوز قرار گرفتند و طعم آوارگی را مانند مردان چشیدند، فقط از بدست گرفتن اسلحه محروم بودند.

بعد از تحویل دهی قدرت سیاسی رژیم دست‌نشانده روسی در هشت ثور 1371 خورشیدی به جهادی‌ها و ایجاد دولت اسلامی، افغانستان به یک عقب‌گرد بزرگی در مورد زنان مواجه گردید که تقریباً تمامی دست‌آوردهای جنبش زنان که در دهه چهل خورشیدی بدست آمده بود به سمت نابودی کشاند. استره محکمه دولت اسلامی جهادی‌ها فتوا نامه شرعی صادر نمود که بر مبنای آن باید تمامی مکاتب دخترانه بسته می‌گردید و دختران از رفتن به پوهنتون محروم می‌شدند و هیچ زنی حق نداشت که در بیرون از خانه به کار مصروف شود. جنگ‌های داخلی خانمانسوز میان احزاب ارتجاعی جهادی و ملیشه‌های بد نام مانع تطبیق این فتوا نامه گردید. تطبیق این فتوانامه از طرف طالبان بطور کل جامه عمل پوشید.

در دوره اول امارت اسلامی طالبان هیچ زنی حق کار در بیرون از خانه را نداشت و تقریباً تمامی مکاتب و پوهنتون‌ها به روی دختران بسته شد و به همین ترتیب حق رفتن به حمام‌های عمومی نیز از آن‌ها سلب گردید، و حتی پوشیدن حجاب اسلامی برای زنان اجباری گردید و بدون محرم شرعی باید از خانه بیرون نمی‌شدند. در غیر این صورت با شلاق طالبان در ملاء عام روبرو می‌شدند.

در دوره امارت اسلامی طالبان زنان در شهر هرات و قندهار برای دریافت حقوق شان به تظاهرات پرداختند و اعمال زشت "امر به معروف و نهی از منکر" طالبان را محکوم نمودند، اما این اعتراضات از طرف طالبان به شدیدترین وجه سرکوب و به خاک و خون کشیده شد و تعداد زیادی از زنان بازداشت و روانه زندان گردیدند.

امپریالیزم امریکا در طول دوران امارت اسلامی طالبان حتی بطور نمایی یک کلمه در مورد جنایاتی که از طرف طالبان در حق زنان افغانستانی روا داشته می‌شد نگفت چه رسد به محکوم نمودن آن‌ها.

اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا به بهانه "مبارزه علیه تروریسم" و "آزادی زنان از چنگال خونین طالبان" به افغانستان حمله نموده و افغانستان را به اشغال خود در آوردند. رژیم دست‌نشانده و تمامی تسلیم‌طلبانی که حامی این تجاوز و اشغال‌گری گردیده بودند سر و صدا راه انداختند که امپریالیست‌ها به خاطر "دموکراسی" و "آزادی زنان از قید طالبان قرون وسطایی" به این سرزمین آمده‌اند. ما در همان زمان به صراحت گفتیم که: «علیرغم دروغ‌های نفرت‌انگیز امپریالیست‌ها و رژیم ارتجاعی دست‌نشانده و تسلیم‌طلبان خائن که می‌گویند امپریالیست‌ها برای "رهائی" زنان به افغانستان حمله نظامی نموده است، حقیقت روشن این است که نه امپریالیست‌ها و نه رژیم ارتجاعی دست‌نشانده اساساً از بار سنگینی که جامعه مردسالار و زن‌ستیز بر گردن زنان نهاده نکاسته است، بل که در موارد معینی به شدت و حدت خشونت علیه زنان افزوده است.»

در ظرف بیست سال گذشته شاهد آن بودیم که نه تنها خشونت‌های جسمی و لفظی و تجاوز به زنان و دختران جوان، اختطاف دختران حتی دختران خرد سال و تجاوز بر آن‌ها، بل که قتل‌های ناموسی قوس صعودی خود را پیمود. روزی نبود که ما شاهد خشونت و تجاوز به زنان نباشیم. علاوه بر آن زن ستیزی در رژیم دست‌نشانده آن قدر خشن بود که هیچ یک از اراکین بلند پایه دولتی بشمول کرزی، عبدالله، قانونی، سیاف، خلیلی، محقق، فهیم و... حاضر نبودند که زنان شان حتی در روز هشت مارچ شرکت نمایند.

تاریخ افغانستان گواه آنست که در طول بیست سال گذشته سلطه مرد بر زن از طرف رژیم پوشالی مورد حمایت قانونی قرار داشت، حتی دختران جوان حق تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خود را نداشتند، به همین علت اغلب رابطه‌های عاشقی پنهانی صورت می‌گرفت و اگر این عشق برملا می‌گردید، زنان در معرض مجازات و رسوایی قرار می‌گرفتند. چنانچه چندین زن به حکم شورای قبیله اعدام گردیدند. حتی در طول بیست سال اشغال کشور یک نفر از قاتلین زنان قصاص نگردید و حتی کسانی که زنان را مورد تجاوز جنسی قرار دادند محاکمه نشدند و اگر کدام شخصی بازداشت هم شده چند روز بعد از زندان آزاد گردیده است. مثال برجسته آن قتل فرخنده در ملاءعام و نادیا انجمن توسط شوهرش می‌باشد.

در طول بیست سال گذشته زن ستیزی و سلطه جویی مرد بر زن به اشکال مختلف تبارز نمود که از طرف رژیم پوشالی و اشغال‌گران امپریالیست حمایت گردید. چنانچه ما شاهد تظاهرات زنان علیه "قانون احوالات شخصیه اهل تشیع" در کابل بودیم که چگونه به خاک و خون کشیده شد و دو زن در این تظاهرات کشته شدند و دوسیه شان تا کنون بایگانی گردیده است.

اشغال‌گران امپریالیست به بهانه‌های فریب کارانه به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست‌نشانده زیر نام جمهوری اسلامی افغانستان را بر مردم افغانستان تحمیل نمودند که نیروها و شخصیت‌ها شئون‌یست بخش اعظم آن را تشکیل می‌دادند که بینش و سیاست شان همان بینش و سیاست طالبانی بود و مسئله زنان به مثابه گروگانی برای توجیه اشغال‌گری و خیانت ملی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

این نکته را نباید فراموش نمود که یک قشر کوچک از زنان خیانت پیشه و تسلیم طلب را اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی به صورت نمایشی روی صحنه آوردند، تا زن ستیزی بنیاد گرایان حاکم در رژیم دست‌نشانده را بپوشانند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریب‌کارانه شان.

این قشر کوچک از زنان تسلیم شده و خیانت پیشه در کنار رژیم پوشالی به ستم‌گری علیه زنان نقش موثری بازی نمودند. تمامی شان کوشیدند تا زنان را از راه مبارزه انقلابی منحرف نموده و به سمت مبارزه مسالمت آمیز و تسلیم طلبانه بکشانند، این زنان تا حدودی در این کار موفقیت داشتند. چنین زنانی هیچ‌گاه قادر نیستند که کوچکترین نقشی برای رهایی زنان بازی نمایند، حتی این زنان نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند شعاری که کمترین معیاری برای رهایی زنان را در بر دارد سر دهند، یعنی شعار جدایی دین از دولت.

اکثریت زنان تحصیل کرده نسبت به جای‌گاه مذهب و قدرت سیاسی حاکم هیچ‌گونه آشنایی ندارند و همان نکاتی را زمزمه می‌کنند که سیستم مردسالار حاکم که حامی ستم بر زن و مالکیت خصوصی است به آن‌ها دیکته می‌نماید. این بزرگترین ضعف جنبش زنان در افغانستان است.

تاریخ بیست ساله اشغال کشور به خوبی نشان داد که شعار "دموکراسی"، "مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی" و "رهایی زنان از قید اسارت طالبانی" یک فریبی بیش نبوده است. اشغال‌گران امپریالیست و در راس آن امپریالیزم اشغال‌گر امریکا نه می‌خواهد و نه می‌تواند این کار را انجام دهد.

امروز در امریکای "متمدن" فساد، تباهی، خوش‌گذارانی و تجاوزات جنسی به اوج خود رسیده است. «طبق گزارش قصر سفید بیست و سه میلیون زن و یک اعشار شش میلیون مرد در امریکا در طول عمر خود مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. نیمی از زنان قربانی

زیر 18 سال و بیش از یک چهارم مردان زیر ده سال بوده اند. از هر پنج دانشجوی زن در امریکا یک نفر مورد تعرض قرار می‌گیرد.» (تلویزیون تمدن - شنبه مورخ 1392/11/5 خورشیدی - ساعت 7 شام) از این که در امریکای "متمدن" همراه سیاه پوستان همچو حیوان رفتار می‌شود و هم چو حیوان کشته می‌شوند می‌گذریم.

امپریالیزم امریکا زمانی که منافعش ایجاب نمود، طالبان را از حجره‌های مدارس دینی پاکستان بیرون کشید و قدرت سیاسی را به آن‌ها تفویض نمود. و زمانی که خواست، خودش مستقیم افغانستان را به مستعمره خود در آورد، زیر نام فریبنده "مبارزه علیه تروریسم" و "آزادی زنان" دست پروردگان خود را به زیر کشید و رژیم دست‌نشانده را بر مردم افغانستان تحمیل نمود. امروز که منافعش ایجاب می‌نماید تا بنیادگرایی را در افغانستان تقویت نماید، بعد از بیست سال ویرانی و دربدری مردم زحمت‌کش افغانستان، سرنوشت کشور را دوباره به طالبان سپرد. از زمانی که امپریالیزم امریکا کابل و بقیه ولایات را به طالبان واگذار نموده تا الحال یک کلمه در مورد جنایات بشری طالبان نگفته است و نخواهد گفت.

طالبان طبق احکام شرعی بطور مطلق فعالیت زنان را محدود و محدودتر خواهند نمود. نمونه‌های این محدودیت از همین اکنون مشخص است. امپریالیزم امریکا به خاطر حفظ منافع خود در افغانستان بدون شک هم‌نوا با طالبان حرکت خواهد کرد.

زنان کشور از چند هفته بدین سو به خاطر این محدودیت‌های طالبان دست به اعتراض زده و برای دریافت حق‌شان به تظاهرات مسالمت‌آمیز پرداختند. باز هم زنان با چماق‌داران طالب رو برو گشتند. طالبان به سرکوب تظاهر کنندگان پرداختند و سخنگوی شان بطور علنی اظهار نمود که هر گونه دموکراسی خواهی سرکوب خواهد گردید. اما طالبان نه تنها به سرکوب تظاهرات زنان بسنده نکردند، بلکه خبرنگارانی که می‌خواستند این تظاهرات را پوشش خبری بدهند، بازداشت و مورد شکنجه قرار دادند. گرچه سرکوب تظاهرات زنان و شکنجه بیش از حد خبرنگاران رسانه‌ای گردید، اما امریکای "متمدن" هیچ‌گاه حاضر به محکوم نمودن این جنایت نگردید و حتی حاضر نشد که یک کلمه در مورد این جنایت بگوید. نه تنها امریکا، بل که "سازمان ملل متحد" چیزی در این مورد بیان نکرد. به همان قسم در مورد جنایات ضد بشری طالبان در پنجشیر نیز عکس‌العملی از خود نشان نداد.

امروز مردمان سراسر جهان شاهد و گواه آنند که بحث حقوق زنان افغانستان در سطح کشورهای امپریالیستی و به خصوص امپریالیزم امریکا کاملاً رنگ باخته و هیچ صدای در این مورد بلند نمی‌شود.

دفاع از حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان که از طرف اشغال‌گران در افغانستان مطرح گردید، یک شعار پوچ و میان‌تهی نبوده و فقط وسیله‌ای در جهت تامین منافع شان قرار گرفته است.

زنان افغانستان برای بدست آوردن حق‌شان به تظاهرات خیابانی پرداختند و این شعارها را سر دادند: "آزادی، آزادی حق مسلم ماست"، "پاکستان، پاکستان - بیرون شو از افغانستان".

باید با جرات گفت که آزادی حق مسلم زنان است، باید از آن حمایت و پشتیبانی صورت گیرد. اما در مورد شعار پاکستان پاکستان - بیرون شو از افغانستان، یک باریکی ظریفی وجود دارد که زنان مبارز باید آن را در نظر بگیرند. با این شعار فقط اشغال‌گران امپریالیست و در راس شان امپریالیزم اشغال‌گر امریکا برائت حاصل می‌کند و مسبب اصلی این همه جنایات در افغانستان متوجه پاکستان می‌گردد. در حالی که مسبب اصلی تمام بدبختی‌ها در افغانستان امپریالیزم امریکا و متحدین غربی اش می‌باشند. امریکا با بازی‌های پشت پرده و شیطنت‌آمیز از سال‌های 1357 خورشیدی بدین سو به تقویت دست پروردگان بنیادگرایان اسلامی پرداخته است. حاکمیت احزاب ارتجاعی جهادی به حمایت مستقیم امپریالیزم امریکا و متحدینش تحکیم گردید. سرنگونی رژیم ارتجاعی جهادی‌ها و به قدرت رسیدن طالبان نیز چنین مراحل را پیمود، سرنگونی طالبان و به قدرت رسیدن دوباره شان نیز توسط امپریالیزم امریکا و متحدینش رقم خورد. **زنان مبارز افغانستان باید که شعار مرگ بر امریکا و متحدینش را سر لوحه مبارزاتی خود قرار دهند و مسئولیت تمام جنایات را متوجه امپریالیزم امریکا نمایند.** این بدان معنی نیست که از مبارزه علیه

مداخلات پنهان و آشکار پاکستان و بقیه کشورهای منطقه دست کشید. مبارزه علیه مداخلات کشورهای وابسته مانند ایران و پاکستان باید در تابعیت از مبارزه علیه امپریالیزم و بخصوص امپریالیزم امریکا پیش برده شود.

تاریخ ثابت ساخته است که هرگاه تمامیت ارضی کشوری مورد تهاجم و اشغال قرار گرفته و استقلال اش سلب شده باشد هرگز آزاد نیست. در چنین کشوری نه دموکراسی معنا و مفهومی دارد و نه تساوی حقوق زن و مرد.

زنان مبارز و انقلابی باید این نکته را درک کنند که دموکراسی و تساوی حقوق زن و مرد، تحایفی نیست که از طرف امپریالیست‌ها و خائنین ملی به مردم ارائه گردد، بل که این حق به اثر مبارزات خستگی ناپذیر خلق‌های تحت ستم اعم از زنان و مردان به دست می‌آید. زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند بدون شرکت زنان در انقلاب هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد. هرگاه زنان مبارز و انقلابی افغانستان بخواهند از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشند باید نکات ذیل را سر لوحه مبارزاتی خویش قرار دهند:

- 1- زنان باید مبارزه علیه رژیم تئوکرات طالبانی و حامیان اشغال‌گر شان را بعنوان وظیفه عمده مبارزاتی شان مطرح نمایند.
- 2- زنان باید به جنبش سیاسی سکولار در جامعه افغانستان که مبتلا بر بنیادگرایی اسلامی نیست دامن زنند.
- 3- علیه شئونیزم جنسیتی و ملی به مبارزه برخیزند. مبارزه زنان علیه شئونیزم جنسیتی و میلیتی باید در پیوند فشرده مبارزه طبقاتی تا سرنگونی کامل سرمایه داری به پیش برده شود. زیرا ستم جنسیتی و ستم میلیتی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره خورده است. بدون مبارزه با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی نمی‌توان به ستم جنسیتی و ستم میلیتی خاتمه داد. یا بعبارت دیگر در هر شرایط باید ستم جنسیتی و ستم میلیتی را در تابعیت از ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی به پیش برند.

این نکته را زنان باید به خاطر بسپارند که طغیان‌ها و مبارزاتی که شکل خود به خودی داشته باشد، یا سرکوب می‌گردد و یا به شکلی از اشکال نیروهای ارتجاعی از آن بهره برداری می‌نمایند و کوچک‌ترین آزادی را به ارمغان نمی‌آورد. تاریخ افغانستان و جهان شاهد این مدعاست. برای این که زنان مبارز بتوانند مبارزات خویش را علیه امپریالیزم و بنیادگرایی ارتجاعی در افغانستان به پیش برده و از آن بهره برداری کنند باید در مبارزات سیاسی - اجتماعی شرکت جسته و آگاهی سیاسی شان را بالا برند. موقعیت عینی طبقات و اوضاع اجتماعی را به دقت مطالعه نموده و درکش نمایند و آگاهانه مبارزات خود را علیه امپریالیزم و ارتجاع به پیش برند، و این مبارزه را تا پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین ادامه دهند و چنان به پیش روند که دیگر نشانی از ستم باقی نماند.

ما از مبارزات زنان افغانستان که به خاطر آزادی و برابری حقوق زنان و مردان مبارزه می‌کنند، حمایت نموده و طرح سرکوب گرانه طالبانی علیه زنان را به شدیدترین وجه محکوم می‌نمائیم.

مبارزات برحق زنان افغانستان را قاطعانه حمایت می‌کنیم

مرگ بر رژیم تئوکرات طالبانی و حامیان اشغال‌گرشان
مرگ بر کشورهای مداخله‌گر در افغانستان
زنده باد مبارزات آزادی‌بخش زنان در سراسر جهان
27 سنبله 1400 خورشیدی (18 سپتامبر 2021 میلادی)